

ترجمه تحت‌اللفظی کنیه کازرون

ابن هشتی
 انوشیروان نیوک [داد]
 - [مدان] یزد داد دخت
 را کرد ماه
 سپند مد - سال
 ۹۳ - یزدگرد
 و روز دین سبخت
 شد بهشت
 بهره اش باد
 [خرم روان] برزیدک
 - آبان گشسب
 دخت اندر همین
 هشتی استد
 بهشت بهره‌اش
 باد
 ماه خرداد
 - سال
 ۹۴ -
 یزد گرد روز دین به‌آذر سبخت شد.

ترجمه روان کنیه...

ابن هشتی (برای)
 انوشیروان نیوک داد
 مدان یزداد دخت
 بنا شد در ماه سپندار مد سال
 ۹۳ یزدگردی که روز دین سبخت
 شد بهشت بهره اش باد
 خرم روان برزیدک ابان گشسب
 دخت اندر همین هشتی می‌باشد
 بهشت بهره‌اش باد. (او نیز)
 در ماه خرداد سال ۹۴
 یزدگردی و روز دین به‌آذر
 سبخت شد.

۱- هشتی: قبر، آرامگاه

۲- انوشیروان: روان شاد، مرحوم

۳- مدان یزداد: این نام را بنابه شباهت «م» معکوس به «ل» یار می‌توان ردان یزداد نیز خواند.

۲- سبخت: ۳ نجات داد یعنی گفتار نیک، رفتار نیک و پندار نیک (یادداشت‌های مؤلف) فرهنگ دهخدا - نجات یافته (۳ رکن زرتشتی: اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک) (فرهنگ معین).

درباره يك بيت نظامی *

-۱-

در شماره بهمن و اسفند ۱۳۶۵ «آینده» بخش (یادداشت، حاشیه، نکته) یادداشتی

* این یادداشتها از آن دو سال پیش است. حالا گزیده‌ای از آنها چاپ می‌شود فقط به این منظور که این مبحث را ببندیم. (آینده)

از آقای دکتر بهروز ثروتیان در مورد بیتی از پایان هفت پیکر نظامی درج شده بود و ایشان برای یافتن مفهوم متناسب یاری خواسته بودند.

۱- اساس کار را بایستی منطقاً بر نسخه خطی نخجوانی قرار داد که کاتبش در موقعی که معنای بیتی را درک نمیکرده است شبیه نگاری میکرده است، نه تصمیمات فرضی. آنچه در سایر نسخ (خطی و چاپی) ذکر شده بدلائل روشن (تعقید و غرابت معنی) مردود است.

۲- چون نظامی شاعری تواناست و از اساتید سخن باری پس: حداکثر میتواند در شعرش لغت مشکل و ناآشنا در زمان حال وجود داشته باشد ولیکن مفهوم و تعبیر مهجور و دور از ذهن را در دیوان او راهی نیست زیرا نظامی سراینده شعر است نه طراح لغز و معما. با این توضیح پیشنهادات شادروان وحید دستگردی و آقای دکتر ثروتیان مقبول نیست.

۳- برگردیم بر سر نسخه نخجوانی. ترکیب مصرع دوم علی‌الخصوص لغت «هم» (چنانچه آقای دکتر ثروتیان تذکر داده‌اند) فوق‌العاده مهم است. البته اگر مصراع دوم را به‌آنصورتی که در نسخه قید شده بخوانیم (زر همه هم زره دریده او) کلمه «همه» اضافی است و کار شعرای درجه سوم. لکن باقرار دادن کلمه «زرهی» بجای «زرهمه» مصراع منسجم و صحیح حاصل میگردد.

برگردیم بر سر کلمه «هم» این کلمه نه تنها نشان اسم که عطف بدفعل هم میتواند باشد. مثلاً استاد اجل میفرماید:

تنها نه منم اسیر عشقت خلقی متعشقتد و من هم

۴- بدینترتیب میتوان نتیجه گرفت که «هم» اشاره به «دریافت» است. یعنی مثلاً زرهی، زره دریده او را، دریافت و نارسیده نیز «چیزی» از او دریافت کرد.

۵- اگر به‌ایات قبل و بعد دقت کنیم به‌نکته جالبی برخورد خواهیم کرد، اینکه استاد گنجه نوعی صفت بدیع معنوی بصورت موازی بکار برده است، یعنی از بیت:

کاهن تیز آن گریوه سنگ لعل و الماس ریخت صد فرسنگ
لعل بردست دوستان بقیاس وز پی پای دشمنان الماس

شروع کرده است به بیان سیاست تطمیع و تهدید پادشاه از زبان دژ. لعل بردست دوستان و الماس بر پی دشمنان.

آن نه دژ، کعبه مسلمانست مقدس رهروان روحانیست

میخ زرین و مرکز زمی است نام روئین دژش ز محکمی است

(بیت مورد نظر)

جبل‌الرحمه زان حریم دریست بوقبیس از کلاه او کمربست

در تمام ایات مصراع‌های اول بذل و بخشش دژ و مصراع‌های دوم قدرت و صلابت دژ بیان میشود. (کعبه، میخ زرین و جبل‌الرحمه) نشانه‌های کرم و (بیت‌المقدس روئین دژ و کوه ابوقبیس) علائم قدرت و جنگاوری و صلابت‌اند.

ع- این نکته که در زمان نظامی جنگهای صلیبی در اوج شدت بوده است و بیت المقدس دست بدست میگشته و اطرافش سرباز گشته «یا به تعبیر نظامی زره دریده» فراوان دیده میشده است معنای مصرع دوم را کاملاً روشن میکند و به فهم لغت تحریف شده ابتدای مصراع اول نیز کمک مینماید.

۷- حدوداً مشخص میشود که استاد گنجه در مصراع اول میخواهد چیزی از لطف و رحمت پادشاه به اشخاص نارسیده به درگاه (تاجه رسد به مقیمان درگاه؟! بگوید و نیز آنانکه به نیت شر به دژ نزدیک میشوند) (اشخاص زرهی) را نیز بو حشت بیاننازد. چون در دو بیت قبل نام کعبه و بیت المقدس برده شده است و کعبه آیه رحمت و بیت المقدس آیت جنگ و نبرد است (چنانچه امروز هم هست!) و آنکس که به بیت المقدس نزدیک شود «زره دریده» می یابد پس در مصراع اول هم بایستی لطف و رحمتی باشد که با کعبه و حج تناسب داشته باشد. مثلاً خداوند به حاجی لباس احرام عطا میفرماید و پادشاه به شاعری که بسوی او نزدیک شود «نارسیده» خلعت میدهد - که جهت رعایت وزن شعر میتوان کلمه [جامه] را مصرف نمود که هم معرف جامه احرام است و هم خلعت. بنابراین بیت موصوف به اینصورت بوده است:

جامه دریافت نارسیده او زرهی هم زره دریده او

۸- در خاتمه، چند نتیجه جالب از این کشف میتوان گرفت:

اول آنکه: اصالت و قدمت نسخه نخجوانی بار دیگر تأیید میگردد. کاتب اولی (که ب احتمال به سرعت و بدون خط خوش نسخه برداری کرده است) لغت «جامه» را بدون نقطه نگاشته است و کاتب دومی چون مفهوم را در نیافته بصورت «اوه» شبیه نگاری کرده است - «زرهی» هم بهمین سرنوشت دچار گردیده است.

دوم: صنعت ساده و زیبایی ابداعی نواری معنوی استاد گنجه در چهار بیت (يك مصراع آیه رحمت و يك مصراع آیه صلابت) و نیز صنعت مراعات النظیر در دو بیت (کعبه - مقدس - جبل الرحمه - بوقییس) و جالبتر از همه بکار بردن همین صنعت در بیت مورد نظر (جامه و زره) جالب توجه است. اما همه جا افتاده و ساده و فاقد تعقید معنوی و لفظی است.

سوم (که نتیجه اخلاقی! است) آنکه: چرا در ایران هنگامیکه اساتیدی مثل شادروان و وحید دستگردی مشغول تصحیح دیوانی میشوند و موضوعی برای آنها حل و فصل نمیشود (که صد درصد طبیعی است) سعی مینمایند بهر حال چیزی بگویند و از قرار ساده به اینکه این مطلب معلوم نشد (که هم بر قدر و اهمیت آنها میافزاید و هم راهگشای تحقیق آیندگان باشد) دریغ میورزند. (یکبار دیگر «یافت دریافت»، «قاف تا قاف» و «یافه در ناقه» و معانی تراشیده شده برای آنها از نظر بگذرانید.) از این دیدگاه کار آقای دکتر ثروتیان در خور ستایش است و منطبق بر اصول آکادمیک مورد قبول.

عنایت الله دستغیبی (شیراز)

-۲-

اول: نگاهی به ۷۵ بیت شعر پایان هفت پیکر میرساند که نظامی، همانند روئین دژی که در شاهنامه فردوسی، اسفندیار کیانی، آنرا با کالای در و گوهر و زر، از چنگ ارجاسپ تورانی بدر آورد و نامدار شد، او نیز (نقد گنجینه هفت پیکر) را از گنج، از (قلعه قناعت خویش) به شهریار مراغه نشین آترمان، علاءالدین کرپه ارسلان، از تیرهٔ سلجوقیان، که مردی پهلوان و همچون نظامی دیندار مسلمان بود، پیشکش میکند تا مایه نام آوری وی گردد.

میگوید:

چون من از قلعه قناعت خویش	شاه را گنج زر کشیدم پیش
در ادا کردن زر جایز	وامدار منست روئین دز
وامداری نه کز تهی شکمی	دز روئین بود ز بی درمی
لعل بر دست دوستان بقیاس	وز پی پای دشمنان الماس
آن نه دز کعبه مسلمانست	مقدس رهروان روحانیست
میخ زرین و مرکز زمی است	نام روئین دزش، ز محکمی است

یعنی: من که نظامی هستم از قلعه قناعت خود گنج زری از هفت پیکر به کرپه ارسلان روئین دژ نشین دادم. از این رو، رئیس دژ بمن وامدار است و با زر صدل باید آنرا ادا کند. (وام) در این بیت دومعنی دارد: یکی بمعنی: قرض دیگر بمعنی: شبیه و مانند که در فرهنگها یاد شده است پس معنی دیگر مصرع دوم چنین میشود که: روئین دژ همانند من است که شاعری وامدار تهی شکم و بدون زر و دینار و درم هستم. روئین دژ من فرآورده اش سخنان گهرباری است که مانند لعل در دست دوستان ارجمند و گران و همچون الماس در زیر پای دشمنان بران است. اما روئین دژ کرپه ارسلان (یا روئین دژ من که قلعه قناعت) است، بسان کعبه مسلمانی و مقدس رهروان روحانی و میخ زرین و مرکز زمین است که از استواری، روئین دز نام یافته است بنابراین ارزش دژ قناعت نظامی که خود روئین دژی است و ارج دژ شاه نشین مراغه که پایگاه شاه کرپه است، در معنویت و مرکزیت روحانی آنها است.

دوم: در میان نسخه ها و چاپهای گوناگون، بیت شعری که باید آنرا اصلی و درست تر شمرد، ضبط نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز است که میگوید:

افه به دریافت نارسیده او زر همه هم زره دریده او.

مصرع نخست این بیت، بدون حرف زیادی (به) چنین است:

(نافه دریافت نارسیده او). دریافت در این جا از واژه در = DOR، بر وزن پر،

بمعنی: گوهر و مروارید است و نباید با (دریافت) بمعنی: درك و فهم و وصول کردن آن اشتباه شود.

و از معنا های (نارسیده) در ادب فارسی، نورس و تازه و بکر بودن است. پس فعل مرکب (نافۀ در نارسیده یافتن) یعنی: کیسه و حقه در و گوهر و مروارید نارسیده و بکر یافتن است که در روئین دژ نظامی بصورت سخنان شاعرانه و در روئین دژ شاه نشین مراغه در گنجینه دربار بصورت زر و زیور شاهانه پیدا می‌شده است. در مصرع دوم آورده (زر همه، هم زره دریده او). یعنی: شعرهای گهربار روئین دژ نظامی همانند سکه‌های زر در میان کیسه‌ای زره پوش و روئین هستند که گوئی شکافته شده بیرون ریخته و پخش گردیده‌اند. در روئین دژ مراغه نیز پاره‌های زره و جوشن دریده و کهنه کرپه‌ارسلان، همچون سکه‌های زر ارزشمندند.

نظامی، در همین بخش از هفت پیکر بیت‌هایی نزدیک بمعناهای بالا دارد. درباره شعرهای هفت پیکر خود آورده:

حقه بسته، پر ز در دارد وز عبارت کلید پر دارد
هر که این در گشاد، زریابد بلکه در یابد، آن که، دریابد
امید است این یادآوری کوتاه پردهٔ ابهام را کنار زده باشد.

عبدالرحمن عمادی

-۳-

آنچه از ملاحظهٔ صورتهای مختلف بیت مورد نظر در نسخه‌های مورد استفادهٔ آقای دکتر ثروتیان استنباط می‌شود ظاهراً غلط ضبط شده است و تشتت یا آشفتگی نسخه‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که نسخ یا کتاب نتوانسته‌اند این بیت را به‌طور صحیح بخوانند و بنویسند. بهمین علت ضبط بعضی از نسخه‌ها مثل مرحوم نخجوانی به‌کلی مغلوط و ابتر است و با آن که نسخهٔ مزبور به قول آقای دکتر ثروتیان اقدم نسخ بوده است نمی‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. صورتهای مختلف یا فرضی نafe و ناقه و یافه و همان یافای فلسطین باشد و به‌فرض بودن به‌عنوان مزاری در زمان نظامی در آن حد از اشتهار باشد که مورد تمثیل یا استشهد شاعر قرار بگیرد. اگر از غلط بودن این بیت بگذریم و بخواهیم در بین صورتهای مختلف آن بنا بر ضبط نسخه‌ها - البته به‌غیر از نسخهٔ نخجوانی - انتخاب اصلاح کنیم، بنا بر اصول نقد ادبی و روش تصحیح متون به‌نظر این جانب باید شکل:

قاف تا قاف در رسیدهٔ او زرهی هم زره دریدهٔ او

را که در سه نسخهٔ: پاریس و اکسفورد و لندن ضبط شده است ترجیح دهیم. گذشته از آن که روش آماری یعنی بودن در سه نسخه و به‌اصطلاح اکثریت، آن را تأیید می‌کند؛ با زمینهٔ شعر که وصف دژ نظامی و مقر حکمرانی علاءالدین ارسلان مددوح نظامی است تناسب کامل دارد.

قاف تا قاف مثل «از قیروان تا قیروان» یعنی از شرق تا غرب می‌تواند کنایه از وسعت و شمول و به‌معنی سراسر دنیا یا از این سر تا آن سر جهان باشد و در رسیده به‌حکایت فرهنگ معین صفت مفعولی یا وصفی است به‌معنی واصل شده. ضمیر او در هر

دو مصراع به دثر برمی گردد و اطلاق ضمیر ذوی العقول یا ذوی الحیات به غیر ذوی العقول یا ذوی الحیات — از باب تشخیص — در شعر قدیم فارسی نمونه زیاد دارد، پس مصراع اول را می توان چنین معنی کرد: از سراسر دنیا به آن دثر می آیند و بدیهی است منظور نظامی از این تعبیر نشان دادن اهمیت و موقعیت خطیر آن قلعه بوده است.

در مصراع دوم زرهی را باید با یای نسبت یا فاعلی خواند نه نکره یا وحدت و منظور از زرهی باید اهل جنگ و زره ور یا جنگجو باشد زیرا زره داری با پهلوانی و جنگ ملازمه دارد. اما زره دریده همان طور که آقای دکتر ثروتیان متذکر شده اند به قول مرحوم وحید دستگردی می تواند مبین عجز و ترس و مغلوب شدن، باشد و از این قرار مصراع دوم مکمل یا مؤید مصراع اول است زیرا نشان می دهد که نه تنها این دثر مرجع جهانیان بوده است به قدری مستحکم بوده که هیچ جنگاوری نمی توانسته است بدان دسترسی پیدا کند و آن را بگشاید.

در پایان ذکر خیری از شادروان وحید دستگردی را لازم می داند زیرا به مصداق «الفضل للمتقدم» نباید از یاد برد که او نخستین کسی بود که به تصحیح و چاپ انتقادی خمسه نظامی همت گماشت و انصاف را با محدود بودن امکانات زمان خود، کار ارزنده ای انجام داد. زهره در چاپ مرحوم وحید که مورد توجه یا انتقاد آقای دکتر ثروتیان واقع شده است باید نوعی تصحیح قیاسی محسوب شود و چنان که می دانیم ادبای نسل قبل از ما به این قبیل تصحیحات معتقد بوده اند کما این که خود ایشان هم در مصراع اول بیت مورد بحث یاقه را محتمل دانسته اند.

—۴—

در مجله آینده به شماره ۱۱-۱۲ (بهمن — اسفند) ۱۳۶۵، سال دوازدهم فاضل محترم آقای دکتر بهروز ثروتیان این بیت نظامی را

یافت دریافت نا رسیده او زهره را هم زره دریده او که در هفت پیکر چاپ مرحوم وحید دستگردی صفحه ۳۶۶ قرار دارد، آن را طرح کرده و به داوری اهل نظر و تحقیق واگذاشته اند. ایشان نوشته اند که این بیت در نسخه های مختلف به صورت های دیگر نیز آمده است، مانند:

قاف تا قاف در رسیده او زرهی هم زره دریده او

یاقه در یافت نا رسیده او زر همه هم زره دریده او

یافت دریافت نارسیده او زر همه هم زره دریده او

چنین به نظر می رسد که اختلاف نسخ ناشی از نادرست خوانی شعر است. چون وقتی بیت درست خوانده نشد آن گاه معنی آن نیز درست دریافت نمی شود و در نتیجه تصرفاتی در ظاهر شعر به وجود می آید، همان طور که ملاحظه می فرمائید.

«روئین دز» که آن «در» (به ضم دال) (ادبیات نغز) را به دست آورد، آن گاه کسی که از آن در، نارسیده و محروم مانده بود نه تنها خود را بلکه «زهر» را هم مانند خود دید که از روی حرمان و از جهت این که این آیات به او نرسیده است، جامه یا زره را بر تن خویش دریده و اندوهگین شده است.

عزیز الله جوینی